



چرا و به چه دلیل اسلام بانیازمندیهای  
هروزمانی سازگار است؟! \*



## عدم انطباق

\*\*\* با \*\*\*

## مقتضیات زمان

پدید آمد، بخصوص در این سالیهای اخیر که تمدن صنعتی همه چیز مارا دگرگون کرد و نیازمندیهای نوی را بوجود آورد، دیگر آن اسلام با آن نظامات ساده و غیر قابل انعطاف خود نتوانست پاسخگوی نیازمندیهای مختلف جوامع بشری باشد و با مقتضیات زمان انطباق پیدا کند؛ در نتیجه از ارزش و اعتبار افتاد و برای همیشه بر حسب انحطاط و عقب رفت بر سیمای آن زده شد و هیچگاه نباید در انتظار تجدید عظمت از دست رفته آن نشست!!

یکی از نویسندگان تاریخ تمدن اسلام ضمن بحث از علل انحطاط مسلمین و اینکه يك عامل؛ در عین آنکه می تواند در يك زمان عامل پیشرفت باشد؛ همان عامل ممکن است در زمان دیگر عامل انحطاط و «پسرفت» باشد؛ در این زمینه چنین

پیشرفت تمدن صنعتی و دگرگون شدن اشکال و مظاهر گوناگون زندگی، این فکر را برای بسیاری از مردم بوجود آورده است که: مذهب؛ بخاطر خاصیت جمود و یکنواختی که دارد، نمی تواند نیازمندیهای مختلف جوامع بشری را که در اثر تجدد زندگی و مرور زمان، پیش می آید، بر آورد و پاسخگوی همه مشکلات او باشد!!

و به دنبال این طرز تفکر نتیجه هائی گرفتند که مهمترین آنها این است: اسلام، گرچه در ابتدای امر بخاطر محدودیت نیازمندیهای مردم زمان؛ توانسته بابرنامه های ساده پاسخگوی همه مشکلات مردم عصر خود باشد و نصف بیشتر مناطق معموره آنروز جهان را تسخیر نماید، اما وقتی که چهره زندگی عوض شد و تغییر و تحولاتی چشمگیری در جوامع اسلامی

بامقتضیات زمان آن شد که حکومت اسلامی روبه ضعف نهاد و نفوذ و قدرت آن کاسته شد!!» (۱)  
تنها این مستشرق نیست که چنین بینی از اسلام دارد و آنرا يك آئین موسمی و غیر قابل انطباق با مقتضیات همه اعصار می داند؛ بلکه بعضی از تحصیلکرده ها و روشنفکران درباره همه مذاهب چنین فکرمی کنند!!

والبتة بنظر آنها این ایراد؛ به اسلام وارد تراست زیرا دیگر مذاهب؛ مدعی آن نیستند که برای همه ی شئون زندگی مردم و برای جمیع اعصار و قرون؛ برنامه آورده اند، و این سردمداران آن مذهبند که چنین دخل و تصرفهای بیجائی بنام دین در زندگی مردم می کنند، و گرنه قلمرو فعالیت آن مذاهب؛ طبق مدارکی که از متون فعلی آنها در دست است تنها يك سلسله عقائد و اخلاق و مراسم آمیخته با خرافات است و کار قانون گذاری را با اصطلاح به قیصر سپرده اند.

ولی اسلام چنانکه می دانیم برای همه ی شئون زندگی بشر «حتی خراش صورت» برنامه آورده و برنامه اش نیز جاودانه و همیشگی است  
«حَلَالٌ مُحَمَّدٍ (ص) حَلَالٌ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (۲)

\* \* \*

گرچه بررسی نادرستی این طرز تفکر و تشریح چگونگی قوانین اسلام، و جامع الاطراف و جاودانه بودن آن، و بیان رمز انعطاف و پاسخگوئی

می نویسد: «نظامات سیاسی و اجتماعی عرب را که مادر عداد اسباب ترقی وی قرار دادیم؛ در انحطاط هم باید آنرا از عوامل مؤثر دانست، زیرا که فتوحات اعراب (مسلمین) از روزی شروع گردید که آنان از برکت آئین محمدی (ص) در مقابل يك قانون، سراطعت و تسلیم فرود آوردند و همین حس اطاعت و انقیاد بود که تمام قبائل و طوائف مختلف عربستان را تحت لوای واحد جمع نمود، و این قانون سخت؛ تا وقتی مفید بحال آنان بوده که احتیاجات آنان با ظواهر احکام قرآن مطابقت داشت، ولی وقتی که بجهت توسعه قلمرو اسلامی و بسط تمدن، لازم گردید که در نظامات سابقه اصلاحاتی بعمل بیاورند، معلوم گردید که نظامات مذهبی بار سنگین و سختی است که هیچوقت نمی شود از حمل آن شانه خالی کرد!!

این نظامات، که در زمان پیامبر اکرم احتیاجات مردم را برمی آورد، چند قرن بعد؛ (در اثر بسط تمدن و بوجود آمدن احتیاجات تازه) نتوانست کفایت ضروریات و احتیاجات آنان را بنماید؛ و چون قرآن، علاوه بر احکام مذهبی و عبادی؛ مشتمل بر نظامات سیاسی و اجتماعی هم می باشد و نظر به وحی بودن آن؛ تغییر و تبدیل مندرجات آن، غیر ممکن است؛ از اینجهت نمی توانستند بر حسب احتیاجات وقت، تغییری در نظامات آن بدهند.  
نتیجه ی این عدم مطابقت احکام و نظامات سیاسی

(۱) تاریخ تمدن اسلام و عرب ص ۷۹۶

(۲) حلال خدا تا روز قیامت حلال است و حرام اونیز تا روز قیامت حرام است (اصول کافی ج ۲ ص ۱۷)

بی حرکت در عروق زنده وجود نخواهد داشت، موند  
شکنجه و آزار سخت قرار می گیرد .

«گالیله» بجرم اینکه برخلاف کتاب مقدس،  
از گردش زمین، خبر می دهد به زندان می افتد .  
«گریستف کلمب» بخاطر کشف سرزمینی که  
«سنت بلی» در تورات و انجیل پیش بینی نکرده بود؛  
زندانی می شود.

«دی رومنس» بجرم اینکه معتقد شده بود  
«فوس و قزح» نیرو کمان جنگی خدا نیست؛ بلکه از  
انعکاس نور خورشید درابر ودانه های باران پدید  
می آید، زندانی می گردد، و وقتیکه در زندان می میرد  
او و کتابش را محاکمه کرده و هردو را در آتش  
می سوزانند (۱) و... ۱۱۱

دراثر این سختگیریهای کلیسا بود که این فکر  
برای مردم اروپا پدید آمد که: مذهب، سختگیر؛  
جامد، غیر قابل انطباق با زمان و مخالف با تمدن  
و علم است و با هرگونه پیشرفت و تجدد مخالف است  
و از این رو دخالت مذهب را در زندگی مردم نادرست  
دانستند و بطور کلی روزگاردین را سپری شده اعلام  
نمودند ۱۱۱

این طرز تفکر بادیگر ارمغانهای غربی به شرق  
آمد و بسیاری از شرقیها که مرعوب تمدن غرب  
بودند و از طرفی چون آگاهی درستی از واقعیت  
اسلام نداشتند، پنداشتند که اسلام نیز مخالف با  
پیشرفت و تجدد است و نمی تواند پاپای پیشرفت  
تمدن پاسخگوی مشکلات زندگی بشر باشد و همه  
نیازمندیهای فردی و اجتماعی را که روز بروز بیشتر

آن به همه نیازمندیهای بشر در همه اعصار و قرون؛  
و اثبات نادرستی توجیه انحطاط مسلمین بر اساس  
عدم انطباق برنامه های اسلام با مقتضیات زمان و...  
نیازمند تألیف کتاب مستقلی است که با مقاله نویسی  
ما ( آنها دربارۀ علل پیشرفت اسلام و انحطاط  
مسلمین) جور در نمی آید ولی با توجه به چند نکته  
اساسی، ریشه این بحث و پاسخ آن روشن می گردد:

### ۱- این طرز تفکر از کجا پیدا شده؟

شکی نیست که این طرز تفکر پیش از آنکه در  
شرق پیدا شود در غرب پیدا شد و آنها بخاطر این  
بود که کلیسا برای حفظ قدرت اهریمنی خود؛  
هر پدیده نوری را محکوم می کرد و هراختراع و  
اکتشاف جدیدی را تنها به این دلیل که در کتاب  
مقدس نیامده است، مطرودمی شناخت و چنین وانمود  
می کرد که مذهب با علم و پدیده های نو مخالف  
است و در این راه دانشمندان زیادی را در زندان  
زیر شکنجه کشت و با در آتش سوزانید و یا محکوم  
کرد .

«پرنلی» بجرم این سخن که: ستارگان از جای  
خود نمی افتند؛ با ضربات شلاق، مجروح و زخم دار  
می شود. «گامپانلا» بخاطر این بیان که غیر از  
این دنیا دنیا های دیگری هم به تعداد بی شمار وجود  
دارد و بخاطر آنکه با کنا به و استعاره به راز آفرینش  
اشاره کرده بود ۲۷ بار به زندان و شکنجه گرفتار  
می گردد .

«هارولی» بجرم آنکه ثابت کرده بود: در  
رگهای بدن آدمی سیالۀ خون جریان دارد؛ و خون

اما در اسلام راستین به هیچوجه دستوری پیدا نمی‌شود که غیر قابل تحمل و یا موجب دشواری باشد.

اسلام چنانکه از محتوایش پیداست: آئین زندگی است، عقائد و اخلاق و احکام آن روی مصالح روحی و جسمی و رفع نیازمندیهای همه جانبه انسان، تنظیم شده است و گرنه خداوند از باور و انجام آنها سودی نمی‌برد «**أَنْ يَبْنَىٰ اللَّهُ لَكُمْ مَهَا وَلَا دِمَاءُ نَفْسٍ**» و لکن **يَبْنَىٰهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ** (۲) و از اعمال و رفتار بندگانش بکلی بی‌نیاز است، و منظورش از تنظیم آن احکام این نبوده که بشر را بزرمت و دشواری بیاندازد «**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**» (۳)

و چنانکه بعداً خواهیم دید: هرگاه در موردی از ناحیه قانون اسلام ضرر و یا حرجی (دشواری) به فرد و یا اجتماع برسد، در آن مورد از آن قانون صرف نظر می‌کند «**وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**» (۵) **لَا ضَرْرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ**» (۶) بنا بر این چنانکه متن اسلام گواهی می‌دهد، اسلام بار سنگین و سخت و غیر قابل تحمل نیست. در شماره آینده چگونگی انطباق قوانین آنرا با مقتضیات زمان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

و گسترده‌تر می‌شود بر آورد، غافل از اینکه چنین مقایسه‌ای بسیار غلط است و چنانکه در جای خود به ثبوت رسیده اسلام از این نغمه‌های ناموزون بکلی دور است و با گذشت اعصار و قرون مشکل گشای زندگی مردم خواهد بود.

### ۴- اسلام آئین زندگی است:

چنانکه در نوشته این مستشرق دیدیم: این گروه برنامه‌های مذاهب و بخصوص اسلام را سخت و غیر قابل تحمل می‌دانند و فکر می‌کنند که اسلام بارگرانی است که بر افراد بشر تحمیل شده در صورتیکه توان حمل آنرا ندارند!!

البته ما از مذاهب تحریف شده دیگر؛ دفاع نمی‌کنیم و قطعاً قسمتی از برنامه‌های آنها هم منظور است چنانکه در آئین زرتشت می‌خوانیم: «اگر کسی سنگ آبی‌ای را بکشد باید ۲۵ جور کفاره بدهد که از آن جمله است: ۱۰ هزار تازیانه باید بخورد ۱۰ هزار ضربت با سیخ اسب‌دوانی باید به او زده شود ۱۰ هزار پشته هیزم خشک و ۱۰ هزار پشته هیزم تر بایستی به آتشکده بدهد ۱۰ هزار مار، و ۱۰ هزار قورباغه خشکی و ۱۰ هزار قورباغه آبی و ۱۰ هزار مور دانه‌کش و ۱۰ هزار مور گزنده و ۱۰ هزار پشه را باید بکشد و...» (۱)

(۱) مجموعه قوانین زرتشت یا ونیداد اوستا فصل چهاردهم ص ۲۴۳-۲۲۹

(۲) گوستها و خونهای آنها (شتران قربانی) به خدا نمی‌رسد این پرهیزگاری شما است که به او می‌رسد

(حج آیه ۳۷)

(۳) خدا برای شما آسانی می‌خواهد نه دشواری (بقره آیه ۱۸۵)

(۵) خداوند دردین برای شما سختی قرار نداده است (حج آیه ۷۸)

(۶) قانون ضرری در اسلام وجود ندارد (حدیث معروف نبوی)